



مخمصه کرونا و ورود استادان دانشگاه به خیریه‌ها

## چو عضوی به درد آورد روزگار

محمد معصومیان  
گزارش نویسن

مولود در خانه‌ای ۴۰ متری زندگی می‌کند با دو بچه مدرسه‌ای؛ روی هم رفته ۶۰۰ هزار تومان درآمد دارد؛ تازه آن هم با کمک‌های دولت و بهزیستی. سال هاست که از همسر معتادش جدا شده و هیچ خبری از او ندارد: «به خدا همه محل آلود ریاط کریم می‌دانند با چه سختی زندگی می‌کنم و شکم بچه‌هایم را سیر نگه می‌دارم. از بدبختی ما این کرونا هم آمد و اوضاع را بدتر کرد.»

مولود از کمک خیریه‌ها می‌گوید و از مردمی تشکر می‌کند که او را فراموش

نکرده‌اند که اگر نبود این کمک‌های مردمی معلوم نبود چه به روز او و بسیاری از مردمی می‌آمد که در حاشیه‌های شهر تهران این ماه‌ها سفره‌شان کوچک و کوچکتر شده است.

شاید این نخستین بار در کشور است که نقش کمک‌های مردمی در قالب خیریه‌ها اینقدر پررنگ دیده می‌شود. بعد از شیوع کرونا خیریه‌های زیادی در سراسر کشور با بسیج مردم فداکارانه مشغول خدمت رسانی و تهیه بسته‌های معیشتی شدند، خیریه‌هایی که پیش از این در آزمون‌های سخت و زیادی به کمک آمده بودند حالا به شناختی که از

محلات داشتند توانستند کمک‌های مردمی را به دست کسانی برسانند که آن اندک درآمد پیش از شیوع کرونا را هم از دست داده بودند.

یکی از این خیریه‌ها که ۶ سال است شروع به کار کرده است مؤسسه‌ای است که بدون پرداخت پول نقد به مددجویان سعی کرده به کمک مردمی برود که حالا شمارشان به بیش از هزار و ۵۰۰ خانوار رسیده است. یکی از مهمترین کمک‌های این مؤسسه دادن بن نان است و آنطور که رئیس هیأت مدیره آن می‌گوید این کار خیر بعد از آن به ذهن شان خطور کرد که نیازهای مردم را از نزدیک دیدند و البته نقل قولی از شهردار

اسبق تهران که از وجود ۳۰۰ هزار خانواده محتاج به نان شب گفته بود. مهندس علی محمد سادات نویسنده کتاب‌های بینش اسلامی دبیرستان و اخلاق اسلامی دانشگاه است. او که ۳۰ عنوان کتاب فرهنگی و اسلامی هم در کارنامه دارد می‌گوید: «گروه خیریه ما از افراد دانشگاهی برجسته و فرهیخته تشکیل شده است که بنا بر مقتضیات زمان و لمس دوران سخت اقتصادی در کشور شکل گرفت. به هرحال احساس کردیم این یک کار اجتناب ناپذیر است. ما الان به ۵۰۰ خانواده بن نان سنتی و به ۱۰۰۰ خانواده بن نان صنعتی می‌دهیم و در کنار این‌ها کمک‌های بهداشتی هم

می‌کنیم.»

این مؤسسه را خیلی‌ها می‌شناسند مانند مجید که در نزدیکی حصارک کرج زندگی می‌کند و به سختی مشغول بزرگ کردن دو کودک باقیمانده از دختر مرحومش است. او که ۶۰ سال دارد و به علت مشکل قلبی از کار افتاده است می‌گوید: «زمانی که دخترم در حادثه رانندگی از دست رفت داماد ما هم رفت دنبال شیشه و کراک و دیگر خیری از او نشد. حالا ۹ سالی می‌شود که حتی برای دیدن بچه‌هایش هم نیامده. به خدا من و همسرم هر دو پیر و ندار هستیم و اگر کمک‌های مردم نباشد معلوم نیست چه می‌شود.»

مجید تا پیش از کرونا به قول خودش «با همین بدن قراضه» کارهای خدماتی منزل می‌کرد اما کرونا آمد و آتش به همه عالم اوزد و آب باریکه‌اش هم از دست رفت. او از کمک‌هایی مانند روغن و گوشت و ماکارونی که کمکی هر چند کوچک برای خانواده است می‌گوید و از نگرانی‌اش برای آینده نوه‌ها: «این بن نانی که به ما می‌دهند خیلی به دردمان می‌خورد و الان هم که مثل قبل ترها نیست، حساب که بکنی هر ماه کلی پول نان می‌شود که من با دو تا فرزند و مستاجر جی سخت از پیش برمی‌آیم.»

مولود که ۳۵ سال سن دارد از همسر معتادش می‌گوید که سال هاست پیدایش نیست و او دست تنها مشغول بزرگ کردن فرزندانش است: «من با کمک بهزیستی و این و آن زندگی می‌کنم. البته خودم هم تا قبل از کرونا کارهایی می‌کردم؛ مثلاً ۵۰۰ هزار تومان جور کردم و رفتم لیف و کیسه خریدم و در خانه می فروختم که از هر کدام ۲ هزار تومان سود به من می‌رسید اما بعد از کرونا دیگر کسی برای خرید به خانه نیامد.»

او تعریف می‌کند که از طریق یکی

از محلی‌ها که رابط خیریه است معرفی شده و حالا هر ماه بن نان، گوشت و روغن می‌گیرد: «بن نان را می‌برم نانوايي که تحت قرارداد با خیریه است و به آنها می‌دهیم و نان می‌گیریم.»

همین طور که تلفنی حرف می‌زنیم صدای دعوی دو فرزندش می‌آید و او به حرف زدن ادامه می‌دهد: «دیگر عادت کرده‌ام، بالاخره زندگی در خانه ۴۰ متری بچه‌ها را دیوانه می‌کند. بچه‌ها خیلی خرج دارند. شما می‌دانید کتاب و خرجی خودشان و لباس... سر به کجا می‌زند. به خدا اگر این خیریه‌ها نبودند و کمک نمی‌کردند ما به گدایی می‌افتادیم.»

زهرای ۴۷ ساله اما سرگذشت دیگری دارد. او که اهل روستای «بیلاق جی‌تو» اطراف ورامین است از دیسک کمری می‌گوید که باعث شده از کار افتاده شود. او هم مانند مولود همسری معتاد داشته که حالا ۱۴ سال است ناپدید شده و زهرها مانده و پسری ۱۳ ساله: «کار می‌کردم اما دیگر نمی‌توانم. خیاطی می‌کردم، پیچ و مهره می‌ساختم... الان دیسک کمر و ضعیف شدن چشم‌مان باعث شده زندگی ما مختل شود. در یک خانه ۴۰ متری زندگی می‌کنیم و پول اجاره کمر مرا شکسته است.»

طرف هم مؤسسات خیریه بیشتری آّب شیرین است اشاره می‌کند و اینکه ساکنان مجبورند در این وضعیت آشفته اقتصادی از بیرون آّب شیرین بخرند. نبود امکاناتی مثل بیمارستان و درمانگاه هم مشکلات دیگری است که اهالی جی‌تو با آن دست به گریبانند. روستایی که به قول زهرها بیشتر مردمش کارگر ساده هستند و به لحاظ معیشتی ضعیف. زهرها که بغض راه گلویش را گرفته از سال پیش می‌گوید که بخاطر پارگی دست پسرش و بی‌پولی مجبور شد شناسنامه و کارت ملی‌اش را گرویی

بیمارستان بگذارد: «آنقدر اوضاع مالی خراب است که شاید باورناتن نشود اما همین بن نان حسابی به زندگی ما کمک می‌کند.»

سادات از محورهای مختلف کمک به مردم می‌گوید؛ از تهیه کانتکس برای سبیلزگان و زلزله زدگان تا خرید شیر خشک برای خانواده‌هایی که از نظر مالی ضعیف هستند: «ما کار را با تمرکز بر تهران شروع کردیم و مجوزهای قانونی را دریافت کردیم اما به مرور دیدیم نمی‌شود وقتی درگیر زندگی مردم می‌شویم کماکان خدمات را محدود نگه داریم.»

وی تأکید می‌کند که پول اهدایی مردم تمامش خرج کمک‌ها و خدمت رسانی می‌شود و هزینه‌های جاری خیریه از طرف هیأت مدیره تأمین می‌شود.

در انتها سوالی ذهنم را درگیر می‌کند؛ اینکه آیا راهکار درست تأمین این خانواده‌ها دادن بسته‌های غذایی است یا باید راه دیگری برای کمک یافت؟ خیریه‌ها می‌توانند همیشه پاسخگوی نیاز مردم باشند؟ یا مسئولان باید فکری اساسی‌تر برای آّب رفتن سفره‌های مردم بکنند؟ سادات جواب ساده‌ای برای پرسش من دارد: «آیا کار دیگری از دست ما بر می‌آید؟ متأسفانه روز به روز بر تعداد فقرا افزوده می‌شود و از آن طرف هم مؤسسات خیریه بیشتری ایجاد می‌شود. ما بر حسب وظیفه سعی کردیم همان کاری را که از دست‌مان بر می‌آمد انجام دهیم.»

به مولود و مجید و زهرها فکر می‌کنم به انبوه مردمی که با فقر و فراموشی در اطراف تهران زندگی می‌کنند و انگار که اصلاً وجود ندارند. به ماهی ۶۰۰ هزار تومان درآمد مولود، به شستن رله پله آپارتمان توسط مجید با قلبی که نیم بند کار می‌کند. به سرنوشت کودکانی که در این خانه‌ها با محرومیتی تمام تشدنی رشد می‌کنند.

### یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۳۷۴

- سیخ‌نانوایی-بازنگر«ایرلندی»
- شهری‌در«مراکش»-کوهی‌درارمنستان‌وترکیه-رنج
- اداداپاور-وارونه-عزیمت‌کرد-سازنده‌ساختمان
- کنکاش-رنجاندن-ده‌کوچکی‌در«امارات»
- جایزه‌اسکار‌تلویزیونی-بالای‌خانه-سپید‌کمی‌مایل
- به‌زردی
- شهری‌درانگلیس»-پلی‌در«سوادکوه»-فاکس
- مشکل-پزشک‌ها-شرف‌واعتبار
- تیم-امیرعابدزاده»-چلنگر
- عمودی:
- فیلمی‌به‌کارگردانی«منوچهرهادی»-نام‌کم‌خونی‌درطب‌قدیم
- درفش-فیلیم«جیمزکامرون»-سرچشمه
- معمولی-بی‌پاک-یکی‌ازجرایر ایرانی
- بدبختی-نت‌چهارم-دل‌آزار‌کهنه-حلقوم

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
														۱
														۲
														۳
														۴
														۵
														۶
														۷
														۸
														۹
														۱۰
														۱۱
														۱۲
														۱۳
														۱۴
														۱۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵
۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰
۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵
۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰
۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵
۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰
۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵
۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰
۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵
۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰
۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵
۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰
۳۰۱	۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	۳۰۶	۳۰۷	۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲	۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵
۳۱۶	۳۱۷	۳۱۸	۳۱۹	۳۲۰	۳۲۱	۳۲۲	۳۲۳	۳۲۴	۳۲۵	۳۲۶	۳۲۷	۳۲۸	۳۲۹	۳۳۰
۳۳۱	۳۳۲	۳۳۳	۳۳۴	۳۳۵	۳۳۶	۳۳۷	۳۳۸	۳۳۹	۳۴۰	۳۴۱	۳۴۲	۳۴۳	۳۴۴	۳۴۵
۳۴۶	۳۴۷	۳۴۸	۳۴۹	۳۵۰	۳۵۱	۳۵۲	۳۵۳	۳۵۴	۳۵۵	۳۵۶	۳۵۷	۳۵۸	۳۵۹	۳۶۰
۳۶۱	۳۶۲	۳۶۳	۳۶۴	۳۶۵	۳۶۶	۳۶۷	۳۶۸	۳۶۹	۳۷۰	۳۷۱	۳۷۲	۳۷۳	۳۷۴	۳۷۵
۳۷۶	۳۷۷	۳۷۸	۳۷۹	۳۸۰	۳۸۱	۳۸۲	۳۸۳	۳۸۴	۳۸۵	۳۸۶	۳۸۷	۳۸۸	۳۸۹	۳۹۰
۳۹۱	۳۹۲	۳۹۳	۳۹۴	۳۹۵	۳۹۶	۳۹۷	۳۹۸	۳۹۹	۴۰۰	۴۰۱	۴۰۲	۴۰۳	۴۰۴	۴۰۵
۴۰۶	۴۰۷	۴۰۸	۴۰۹	۴۱۰	۴۱۱	۴۱۲	۴۱۳	۴۱۴	۴۱۵	۴۱۶	۴۱۷	۴۱۸	۴۱۹	۴۲۰
۴۲۱	۴۲۲	۴۲۳	۴۲۴	۴۲۵	۴۲۶	۴۲۷	۴۲۸	۴۲۹	۴۳۰	۴۳۱	۴۳۲	۴۳۳	۴۳۴	۴۳۵
۴۳۶	۴۳۷	۴۳۸	۴۳۹	۴۴۰	۴۴۱	۴۴۲	۴۴۳	۴۴۴	۴۴۵	۴۴۶	۴۴۷	۴۴۸	۴۴۹	۴۵۰
۴۵۱	۴۵۲	۴۵۳	۴۵۴	۴۵۵	۴۵۶	۴۵۷	۴۵۸	۴۵۹	۴۶۰	۴۶۱	۴۶۲	۴۶۳	۴۶۴	۴۶۵
۴۶۶	۴۶۷	۴۶۸	۴۶۹	۴۷۰	۴۷۱	۴۷۲	۴۷۳	۴۷۴	۴۷۵	۴۷۶	۴۷۷	۴۷۸	۴۷۹	۴۸۰
۴۸۱	۴۸۲	۴۸۳	۴۸۴	۴۸۵	۴۸۶	۴۸۷	۴۸۸	۴۸۹	۴۹۰	۴۹۱	۴۹۲	۴۹۳	۴۹۴	۴۹۵
۴۹۶	۴۹۷	۴۹۸	۴۹۹	۵۰۰	۵۰۱	۵۰۲	۵۰۳	۵۰۴	۵۰۵	۵۰۶	۵۰۷	۵۰۸	۵۰۹	۵۱۰
۵۱۱	۵۱۲	۵۱۳	۵۱۴	۵۱۵	۵۱۶	۵۱۷	۵۱۸	۵۱۹	۵۲۰	۵۲۱	۵۲۲	۵۲۳	۵۲۴	۵۲۵
۵۲۶	۵۲۷	۵۲۸	۵۲۹	۵۳۰	۵۳۱	۵۳۲	۵۳۳	۵۳۴	۵۳۵	۵۳۶	۵۳۷	۵۳۸	۵۳۹	۵۴۰
۵۴۱	۵۴۲	۵۴۳	۵۴۴	۵۴۵	۵۴۶	۵۴۷	۵۴۸	۵۴۹	۵۵۰	۵۵۱	۵۵۲	۵۵۳	۵۵۴	۵۵۵
۵۵۶	۵۵۷	۵۵۸	۵۵۹	۵۶۰	۵۶۱	۵۶۲	۵۶۳	۵۶۴	۵۶۵	۵۶۶	۵۶۷	۵۶۸	۵۶۹	۵۷۰
۵۷۱	۵۷۲	۵۷۳	۵۷۴	۵۷۵	۵۷۶	۵۷۷	۵۷۸	۵۷۹	۵۸۰	۵۸۱	۵۸۲	۵۸۳	۵۸۴	۵۸۵
۵۸۶	۵۸۷	۵۸۸	۵۸۹	۵۹۰	۵۹۱	۵۹۲	۵۹۳	۵۹۴	۵۹۵	۵۹۶	۵۹۷	۵۹۸	۵۹۹	۶۰۰
۶۰۱	۶۰۲	۶۰۳	۶۰۴	۶۰۵	۶۰۶	۶۰۷	۶۰۸	۶۰۹	۶۱۰	۶۱۱	۶۱۲	۶۱۳	۶۱۴	۶۱۵
۶۱۶	۶۱۷	۶۱۸	۶۱۹	۶۲۰	۶۲۱	۶۲۲	۶۲۳	۶۲۴	۶۲۵	۶۲۶	۶۲۷	۶۲۸	۶۲۹	۶۳۰
۶۳۱	۶۳۲	۶۳۳	۶۳۴	۶۳۵	۶۳۶	۶۳۷	۶۳۸	۶۳۹	۶۴۰	۶۴۱	۶۴۲	۶۴۳	۶۴۴	۶۴۵
۶۴۶	۶۴۷	۶۴۸	۶۴۹	۶۵۰	۶۵۱	۶۵۲	۶۵۳	۶۵۴	۶۵۵	۶۵۶	۶۵۷	۶۵۸	۶۵۹	۶۶۰
۶۶۱	۶۶۲	۶۶۳	۶۶۴	۶۶۵	۶۶۶	۶۶۷	۶۶۸	۶۶۹	۶۷۰	۶۷۱	۶۷۲	۶۷۳	۶۷۴	۶۷۵
۶۷۶	۶۷۷	۶۷۸	۶۷۹	۶۸۰	۶۸۱	۶۸۲	۶۸۳	۶۸۴	۶۸۵	۶۸۶	۶۸۷	۶۸۸	۶۸۹	۶۹